



The Basics of Multiplicity and Repetition of Crime in the Light of Criminological Teachings

مبانی تعدد و تکرار جرم در پرونده‌های جرم‌شناختی

Jamshid Siah Mansour
Master of Police Command and Management, Amin University of Police Sciences, Tehran, Iran

جمشید سیاه منصور
کارشناس ارشد فرماندهی و مدیریت انتظامی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران
Siyahmansoor674@gmail.com

Ahmadreza Emtehani
Master of Criminal Law and Criminology, Mofid University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author)

احمدرضا امتحانی
کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)
emtehaniahmadreza@gmail.com
<http://orcid.org/0000-0002-0253-0342>

Ali Paidarfard
Master of Criminal Law and Criminology, Mofid University of Qom, Qom, Iran

علی پایدارفرد
کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید قم، قم، ایران
alipaidarfard1375@gmail.com
<http://orcid.org/0000-0002-7848-9315>

Abstract

Crime and fighting with crime, are very important in the Islamic Penal Code. In this Code, the legislator has raised various topics regarding the multiplicity and repetition of crimes, but the main issue is what factors lead criminals to the multiplicity and repetition of crimes? This has caused the authors to study and analyze the causes and effective factors in the occurrence of multiplicity and repetition of crimes in societies by criminals from the perspective of criminologists and criminal sociologists, as well as presenting strategies and theories that can be used to reduce the commission of criminals by criminals and as a result the repetition and multiplicity of crime is manifested; have placed. On the other hand, the reasons for the intensification of the punishment and the ways to prevent these two entities in the Islamic penal system are of particular importance because the determination of the punishment in proportion to the crime committed ensures the observance of humane and Islamic principles, such as the principle of criminal justice and the proportionality between crime and punishment, and this It provides more mental health to the society. In the present research, another aspect of these two criminal institutions has been discussed and their foundations in terms of criminological doctrines have been mentioned.

Keywords: Prevention, Offense, Multiplicity of Crimes, Repetition of Crime, Criminological Teachings.



چکیده

جرم و مبارزه با بزه در قانون مجازات اسلامی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. مقنن در این قانون در خصوص بخش تعدد و تکرار جرم مباحث مختلفی مطرح کرده است اما مسئله اصلی این است که چه عواملی بزهکاران را به سوی تعدد و تکرار جرایم سوق می‌دهد؟ این امر سبب شده تا نگارندگان هدف از انجام این پژوهش را، واکاوی و تحلیل علل و عوامل مؤثر در بروز تعدد جرم و تکرار جرم در جوامع توسط بزهکاران از منظر جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان جنایی و همچنین ارائه راهکارها و نظریاتی که به کارگیری آن‌ها در کاهش ارتکاب بزه توسط مجرمین و به تبع آن تکرار جرم و تعدد جرم تجلی می‌یابد؛ قرار داده باشند. از طرفی علل تشدید مجازات و راهکارهای پیشگیری از این دو نهاد در نظام کیفری اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا تعیین مجازات متناسب با بزه انجام شده سبب رعایت اصول انسانی و اسلامی، مثل اصل عدالت کیفری و تناسب بین جرم و مجازات می‌شود و این امر سلامت روانی جامعه را بیشتر تأمین می‌کند. در پژوهش حاضر، به وجه دیگری از این دو نهاد کیفری پرداخته و مبانی آن‌ها از حیث آموزه‌های جرم‌شناختی، اشاره شده است.

واژگان کلیدی: پیشگیری، بزه، تعدد جرم، تکرار جرم، آموزه‌های جرم‌شناختی.

Received: 2022/10/02 - Review: 2023/01/18 - Accepted: 2023/02/08

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۰۲ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۱۸ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۰۸

| |
|--|
| <p>ارجاع: سیاه منصور، جمشید؛ امتحانی، احمدرضا؛ پایدارفرد، علی؛ (۱۴۰۱)، مبانی تعدد و تکرار جرم در پرتو آموزه‌های جرم‌شناختی، تمدن حقوقی، شماره ۱۳.</p> |
| <p>Copyrights: Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.</p>  <p>CC BY-NC-SA</p> |
|  |

مقدمه

پرواضح است که مسئله تعدد و تکرار جرم یکی از مباحث مهم حقوق کیفری است. در واقع، با ورود تفکرات کیفرشناختی نوین، توجه به کنترل بزهکاران جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است (صیقل و همکاران، ۱۳۹۹، ۲۲۵). تعدد و تکرار جرم از جمله دقیق و سخت‌ترین مباحث حقوق کیفری است؛ زیرا از جهتی مرتبط با مسایل جزایی و اجتماعی و از سوی دیگر در راستای اجرای عدالت در دادگاه‌ها از این جهت، مشکلاتی ایجاد می‌شود؛ به واسطه تعدد و تکرار جرم زندان‌ها در اکثر کشورها انباشته از بزهکاران مکرر و دادگاه‌ها مملو از پرونده‌هایی هستند که در انتظار رسیدگی هستند. تردیدی نیست که اعمال مجازات‌های فوق‌العاده خشن که موجبات طرد یا حذف کامل بزهکار را فراهم می‌آورده‌اند مانع از آن بوده‌اند که این دو نهاد، پدیده‌ای شایع و قابل توجه باشد. گسترش اندیشه بازپروری بزهکاران به جامعه پس از تحمل مجازات‌ها نیز باعث اعطای فرصت تعدد و تکرار جرم به بزهکاران شد. برای مقابله با امواج بزهکاری مجدد، حقوقدانان و قانون‌گذاران از یک طرف و سایر اندیشمندان تدابیر خاصی اندیشیده‌اند.

اولین و عمومی‌ترین واکنش قانون‌گذاران نسبت به این دو نهاد، تشدید مجازات نسبت به این دسته از مجرمین بوده است. تا زمانی که مطالعات جرم‌شناسی و کیفرشناختی ظهور و گسترش یافت و زمینه‌های اجرای این مدل، وارد عرصه عملی شد این دو نهاد، صحنه عملی آزمایش اندیشه‌های متعدد جرم‌شناسی و کیفرشناسی و معیار و محک موفقیت یا عدم موفقیت نهادهای کهنه و نوین عدالت کیفری گردید. بررسی

روش‌های جدید نه تنها ما را با رویکردهای رشته‌های علمی مرتبط در این زمینه، آشنا می‌سازد بلکه زمینه کشف و تبیین نظریه حاکم بر حقوق کیفری ایران، پیرامون تعدد و تکرار جرم و مقایسه جایگاه آن در سایر نظام‌ها را نیز فراهم می‌کند. امروزه، جرم و مبارزه با جرم در قانون مجازات اسلامی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است که وجود این دو نهاد (تعدد و تکرار) موید این ادعا می‌باشد.

این دو نهاد را می‌توان ذیل نظریات جرم‌شناسی بررسی کرد. در این پژوهش به وجه دیگری از مباحث تعدد و تکرار یعنی نگاه غیرکیفری و جامعه‌شناختی پرداخته شده است. تبیین نظریه‌هایی مانند آنومی، کنترل اجتماعی، حالت خطرناک مجرم و اشتغال زندانی یعنی کاهش تکرار جرم، می‌تواند به شرح و تحلیل بهتر این دو نهاد از منظر جرم‌شناسی، کمک شایانی کند. فرضاً در خصوص نهاد تعدد که از حیث کیفری قاضی مکلف به اجرای مجازات اشد است؛ می‌توان به نظریه مجازات اشد اشاره کرد. در این نظریه منظور از مجازات جرم اشد این است که مرتکب به همه جرایم ارتکابی محکوم می‌شود ولی فقط شدیدترین مجازات در مورد او اجرا می‌گردد. آنچه که در این سیستم تامل برانگیز است این است که شخصی که چندین بار نظم جامعه را مختل کرده و مرتکب چندین جرم شده فقط به یک مجازات محکوم می‌شود. آیا این به معنای تجری و امتیاز دادن به مرتکبین نیست؟ آیا این خود مشوقی برای مرتکبین جرایم سنگین نیست؟ چرا که بزهکار، جرم سنگین را مرتکب شده و می‌داند که ملاک همان جرم است و سایر جرایم در مجازات او تأثیر چندانی ندارد.

۱- مفاهیم

فهم هر مسئله بستگی به تبیین معانی واژه‌های کاربردی آن مسئله دارد، بنابراین می‌بایست مفاهیم واژه‌های کلیدی به خوبی روشن شوند تا راه درک دقیق موضوع هموار شود. در ادامه و در جهت تکمیل این فرایند می‌باید مرزبندی عنوان تحقیق مشخص گردد تا بحث دارای چهارچوب و ساختاری منسجم شده و در نهایت ختم به جامع و مانع بودن تحقیق گردد، امری که در ذیل بدان پرداخته می‌شود:

۱-۱- تعدد جرم

تعدد از ریشه «ع د د» گرفته شده است و در لغت به معنای بسیار گشتن، فراوانی، افزونی، بی‌شمار شمردن و زیاد شدن عدد به کار رفته است (معین، ۱۳۷۵، ج ۱، ۱۰۹۸). واژه تعدد با توجه به این که در کنار چه

کلمه‌ای قرار بگیرد و نظر به متعلق خود معنای متفاوتی پیدا می‌کند. مانند تعدد زوجات، تعدد فرزندان و... در بحث مورد نظر ما نیز واژه تعدد با قرار گرفتن در کنار کلمه جرم معنای خاص خود را دارد؛ بدین نحو که منظور از تعدد جرم به وضعیتی گفته می‌شود که در آن فردی مرتکب چندین جرم شده و سپس در چنگال عدالت گرفتار می‌شود تا به خاطر همه آن جرایم محاکمه و مجازات شود. از این تعریف چنین استنباط می‌شود که: اولاً، تعدد جرم زمانی مطرح می‌شود که متهم مرتکب چندین جرم شده باشد. ثانیاً، ادعای تعدد جرم زمانی صحیح است که متهم برای هیچ یک از آن جرایم ارتكابی محکومیت قطعی نیافته باشد. بنابراین، اگر متهم به خاطر یک یا چند مورد از آن جرایم قبلاً محاکمه و حکم آن نیز قطعی شده باشد اتهام تعدد جرم در مورد او صادق نیست.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود تعریف فوق تنها دربردارنده یک نوع (تعدد مادی) از انواع تعدد جرم است و عموماً مفهوم تعدد اعتباری را به‌عنوان یکی از اقسام تعدد جرم در بر نمی‌گیرند. لذا تعریفی که می‌توان از تعدد جرم ارائه داد که به نوعی دربرگیرنده هر دو قسم از انواع تعدد جرم و تمیزدهنده مرز میان تعدد و تکرار جرم باشد این است: تعدد جرم عنوان موقعیتی است که یا چند جرم ارتکاب یافته ولی محکومیت قطعی صادر نشده یا در برخی جرایم (حدی) مجازات اجرا نشده است و یا یک رفتار مجرمانه ارتکاب یافته ولی چند عنوان مجرمانه بر آن منطبق شده است (تعدد اعتباری). تفاوت تعدد جرم با تکرار جرم آن است که در تکرار جرم میان ارتکاب جرایم مختلف، محکومیت قطعی (در جرایم تعزیری) یا اجرای مجازات (در جرایم حدی) فاصله انداخته است اما در تعدد جرم این گونه نیست و محکومیت و مجازاتی در بین نمی‌باشد. بنابراین در تعدد با مرتکبی مواجهیم که هم‌اکنون امکان تحمیل چند عنوان مجرمانه به وی وجود دارد (الهام و برهانی، ۱۳۹۶، ۲۲۲).

۱-۲- تکرار جرم

تکرار جرم از جمله کیفیات عام مشدده است که ابتدا مفهوم لغوی و سپس مفهوم اصطلاحی آن را تبیین می‌نماییم. تکرار در لغت به معنای «دوباره و مکرر، عملی را دو یا چند مرتبه انجام دادن و بارها برگرداندن چیزی» به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵، ۵۶۵). همان‌طور که قبلاً نیز در خصوص مفهوم لغوی تعدد جرم بیان شد. واژه تکرار همانند واژه تعدد با توجه به این که در کنار چه کلمه‌ای قرار بگیرد و نظر به متعلق به خود، معنای متفاوتی خواهد داشت. بنابراین هنگامی که این واژه در کنار کلمه جرم قرار

بگیرد دربردارنده معنای خاصی است، بدین نحو که در تعریف اصطلاحی تکرار جرم می‌توان گفت که مقنن در قوانین کیفری تعریفی از تکرار جرم ارائه نکرده بلکه صرفاً به بیان شرایطی پرداخته که با وجود آن شرایط، شخص تکرارکننده جرم محسوب می‌شود. با این حال حقوقدانان بر اساس شرایط متشکله این نهاد از سوی قانون‌گذار به ارائه تعاریف متعددی از این اصطلاح پرداخته‌اند؛ به زعم برخی از حقوقدانان؛ تکرار جرم وضعیت فردی است که بعد از صدور حکم محکومیت از دادگاه صالح و قطعی آن، مرتکب جرم دیگری شود. بنابراین تکرار جرم به دو عنصر وابسته است یکی محکومیت قبلی، دوم ارتکاب جرم بعدی (گارو، ۱۳۷۴، ۳۵۶). برخی دیگر معتقدند؛ تکرار جرم وضعیت شخصی است که سابقه محکومیت جزایی داشته و پس از آن مرتکب یک جرم یا بیشتر گردد (حائری شاه باغ، ۱۳۷۲، ۱۷). به نظر دکتر اردبیلی: «تکرار جرم وصف افعال کسی است که به موجب حکم قطعی لازم الاجرا از یکی از دادگاه‌های ایران محکومیت کیفری یافته و بعداً مرتکب جرم دیگری شده است که مستلزم محکومیت شدید کیفری است.» (اردبیلی، ۱۳۹۵، ج ۳، ۱۹۹).

بدین ترتیب با توجه به تعاریف ارائه شده از تکرار جرم وجه افتراق میان تعدد و تکرار جرم مشخص می‌شود: تکرار جرم زمانی مصداق پیدا می‌کند که مرتکب جرم بعد از محکومیت قطعی، دوباره مرتکب جرم شود. درحالی که در تعدد جرم شخص مرتکب چندین جرم شده بدون این که در خصوص هیچ یک از آن‌ها حکم قطعی صادر شده باشد. در تعدد جرم در صورتی که جرایم ارتكابی همگی مشابه باشند تشدید از اختیارات دادگاه است^۱ درحالی که در تکرار جرم تشدید از تکالیف دادگاه است. در تعدد جرایم مختلف، جرایم متعددی مورد حکم قرار می‌گیرند که تنها مجازات اشد مندرج در دادنامه اجرا می‌گردد، درحالی که در تکرار جرم تنها یک جرم مورد حکم قرار می‌گیرد و همان جرم نیز اجرا می‌شود (البته استثنای این مورد جمع همزمان تعدد و تکرار جرم است که در این حالت نیز همانند تعدد جرایم مختلف، جرایم متعددی از باب تکرار جرم مورد حکم قرار می‌گیرند). وجه تمایز دیگر تعدد و تکرار جرم در این است که مرتکب تعدد جرم یک مجرم اولیه محسوب می‌شود درحالی که در تکرار جرم مرتکب به دلیل محکومیت پیشین خود تکرارکننده جرم به حساب می‌آید.

۱- البته در تعدد جرایم مختلف نیز همانند تکرار جرم تشدید از تکالیف دادگاه است برخلاف تعدد جرایم مشابه.

۲- مبانی نظری جرم‌شناختی تعدد جرم

بررسی مبانی نظری هر نهاد کیفی ما را با فلسفه، نگرش و اصل وجودی آن نهاد آشنا می‌کند. از این رو ضرورت دارد جهت فهم بهتر موضوع، مبانی نظری تعدد جرم را ابتدا از منظر نظریه‌های متفاوتی که برای مجازات مرتکب در صورت تعدد جرم بیان شده است بررسی کنیم و سپس به بیان نظریه‌هایی که در خصوص چرایی مجازات بیشتر در تعدد جرم توسط جرم‌شناسان مطرح شده است بپردازیم.

۲-۱- نظریه‌های مجازات در فرض تعدد جرم

شخصی که مرتکب جرم شده و نظم اجتماعی را مختل کرده است، باید کیفی متناسب با ارزش‌هایی که در جامعه نقض کرده بر او تحمیل شود. پس هر اندازه که ارزش‌های نقض شده والاتر باشد واکنش جامعه نسبت به او نیز شدیدتر است. حال اگر همان شخص پیش از دستگیری با ارتکاب چند جرم موجب نقض ارزش‌های متعددی از جامعه شود واکنش جامعه نسبت به این شخص چگونه خواهد بود؟ در خصوص نحوه و میزان واکنش جامعه در تعدد جرم، نظریات متفاوتی بیان شده است. عده‌ای قائل به جمع مجازات‌ها هستند، عده‌ای معتقدند که مجازات اشد قابل اجراست و گروهی نیز به مجازات شدیدتری از حداکثر میزان مجازات قانونی برای آن جرم اعتقاد دارند.

۱-۲-۱- نظریه جمع مجازات‌ها

۱-۲-۱-۱- تبیین نظریه

به موجب نظریه جمع مجازات‌ها که متأثر از مکتب کلاسیک است، هر کس که با آگاهی و اراده مرتکب جرم شود باید به مجازات آن جرم محکوم شود. به بیان دیگر منظور از این نظریه آن است که اگر شخصی مرتکب جرایم متعددی شود مجموع مجازات جرایم ارتكابی در خصوص وی اجرا می‌گردد. این نظریه از یک طرف با طرز تفکر «عینی» جرم و از طرف دیگر با اندیشه آزادی اراده و مسئولیت اخلاقی بزهکار هماهنگی دارد. بدان معنا که از یک سوی اگر رفتار انجام شده و خسارت وارده به جامعه، یعنی آثار عینی بزه‌های ارتكابی را در نظر بگیریم، ضرورت دارد که جرایم ارتكابی را به دلیل آثار آن‌ها، تک به تک مورد محاکمه و کیفر قرار دهیم. از سوی دیگر فلسفه و اندیشه «آزادی اراده» نیز ایجاب می‌نماید که بزهکار به دلیل هر بار ارتكاب بزه، مسئولیت کیفری خاصی داشته باشد و مجازات جداگانه‌ای بر او تحمیل شود؛ اگر

غیر از این عمل کنیم لازم می‌آید که برای ارتکاب برخی از اعمال مجرمانه مسئولیت و کیفری در نظر گرفته نشود که این امر برخلاف فلسفه و مبنای مجازات‌ها خواهد بود (صانعی، ۱۳۸۲، ۷۶۶).

۲-۱-۱-۲-۲- نقد و بررسی نظریه جمع مجازات‌ها

سیستم جمع مجازات‌ها از دو جهت مورد نقد قرار گرفته است: جمع مجازات‌ها موجب می‌شود که مجرم در مجازات‌های سالب آزادی، مدت طولانی از عمر خود را در زندان سپری کند و چه بسا این امر عادلانه نباشد. چرا که جامعه به سبب ضعف سیستم امنیتی در شناسایی مجرم و بی‌مجازات ماندن او دخالت داشته و بزهکار قربانی ناکارآمدی نظام عدالت کیفری شده است (الهام و برهانی، ۱۳۹۶، ۲۲۳). جمع بین مجازات‌ها در مواردی همچون حبس موقت یا دائم توأم با مجازات اعدام ممکن نیست. اما طرفداران این نظریه برای حل این مشکل بیان داشته‌اند: که ابتدا مجازات حبس و سپس مجازات اعدام را اجرا می‌کنیم. اما در پاسخ باید گفت که اولاً، این کار منصفانه نمی‌باشد. چرا که نباید مجرم را سال‌ها در زجر ناشی از انتظار مجازات اعدام گذاشت. ثانیاً، معقول نیست کسی را که قرار است اعدام شود در زندان نگهداریم زیرا از یک سو هزینه اضافی نگهداری مجرم در زندان بر جامعه تحمیل می‌شود و از سوی دیگر حکم مهم اعدام سال‌ها بلا تکلیف می‌ماند که این صحیح نیست (پیمانی، ۱۳۷۶، ۲۸).

۲-۲-۱-۲-۲- نظریه مجازات اشد

طرفداران مکتب دفاع اجتماعی که هدف از اجرای مجازات را اصلاح و بازاجتماعی کردن مجرم می‌دانند و نه تنبیه وی، بر این باورند که سیستم جمع مجازات‌ها باعث طرد مجرم از جامعه برای مدت مدیدی می‌شود که این به نفع جامعه نیست و لذا در این گونه موارد باید مجرمین را به مجازات جرم اشد محکوم نمود (اخوت، ۱۳۸۰، ۳۴). در این نظریه منظور از مجازات جرم اشد این است که مرتکب به همه جرایم ارتكابی محکوم می‌شود ولی فقط شدیدترین مجازات در مورد او اجرا می‌گردد. آنچه که در این سیستم تأمل برانگیز است این است که شخصی که چندین بار نظم جامعه را مختل کرده و مرتکب چندین جرم شده فقط به یک مجازات محکوم می‌شود. آیا این به معنای تجری و امتیاز دادن به مرتکبین نیست؟ آیا این خود مشوقی برای مرتکبین جرایم سنگین نیست؟ چرا که مجرم، جرم سنگین را مرتکب شده و می‌داند که ملاک همان جرم است و سایر جرایم در مجازات او تأثیر چندانی ندارد.

۳-۲-۱- نظریه مجازات شدیدتر از اشد

به نظر طرفداران این سیستم شخصی که مرتکب جرایم متعدد شده نسبت به شخصی که فقط یک بار مرتکب جرم شده به مراتب مسئولیت کیفری بیشتری دارد و واکنش جامعه هم نسبت به این شخص مسلماً بیشتر خواهد بود. لذا عدالت ایجاب می‌کند که دادگاه حق داشته باشد در این شرایط با توجه به حالت خطرناک مرتکب، مرتکب را به مجازاتی بیش از آنچه که در قانون برای جرم اشد پیش‌بینی شده محکوم نماید مشروط بر آن که از یک چهارم حدکثر آن تجاوز نکند بدون این که مجازات مورد حکم معادل مجموع مجازات جرایم ارتكابی مرتکب باشد. بنابراین با اتخاذ و تعمیم مجازات شدیدتر از مجازات اشد از یک سو هم از افراط در مجازات مرتکب جلوگیری می‌شود و از سوی دیگر جرایم کوچک‌تر و کم‌اهمیت‌تر مجرم مورد توجه دادگاه واقع شده و بدون مجازات باقی نمی‌مانند. این نظریه در کشورهای همچون ایتالیا، سوئیس و آلمان پذیرفته شده است (ولیدی، ۱۳۸۸، ۴۲۲).

۲-۲- چرایی پذیرش مجازات بیشتر در تعدد جرم از منظر جرم‌شناسی

مبنای پذیرش تعدد جرم از منظر جرم‌شناسی حول سه نظریه است: نظریه سزادهی؛ نظریه حالت خطرناک؛ اصل فردی کردن مجازات.

اساس این سه نظریه بر مبنای درجه تقصیر، نقض مکرر هنجارهای اجتماعی و مجازات متناسب با شخصیت بزهکار است. اکنون به بیان این سه نظریه می‌پردازیم.

۱-۲-۲- نظریه سزادهی

جامعه برای تنظیم روابط اجتماعی میان افراد و حفظ اساسی‌ترین ارزش‌های حاکم بر روابط آنها ناگزیر است علیه بزهکاری و هنجار شکنی از خود واکنش نشان دهد و مرتکب را به سزای عمل خود برساند (اردبیلی، ۱۳۸۲، ۴۵). از این رو منطق و عدالت حکم می‌کند میان فردی که فقط یک بار مرتکب جرم شده با فردی که با رفتار خود بارها هنجار شکنی کرده و مرتکب جرایم متعدد گشته تفاوت گذاشت. چرا که این فرد از مجرمیت و درجه تقصیر بیشتری نسبت به مرتکب جرم واحد برخوردار است و علی‌الاصول باید مجازات بیشتری در انتظار او باشد. بنابراین در راستای اهداف مجازات‌ها که مبتنی بر سزادهی و بازدارندگی است باید مجازات بیشتری را متحمل شود (جعفری، ۱۳۹۲، ۱۷۷). به عبارت دیگر تعدد جرم

به‌عنوان یکی از کیفیات مشدده عام نشان‌دهنده بالا بودن درجه تقصیر و مجرمیت مرتکب جرایم متعدد نسبت به مرتکب جرم واحد است. با این وجود اعمال اندیشه سزادهی و مکافات ایجاب می‌کند که نسبت به مرتکبی که میزان مجرمیت او بالاست مجازات بیشتری اعمال شود.

۲-۲-۲- نظریه حالت خطرناک

مفهوم حالت خطرناک در قرن نوزدهم و بر مبنای ضرورت تأمین دفاع اجتماعی توسط نظریه پردازان مکتب تحقیقی مطرح شد است؛ پذیرش نظریه حالت خطرناک به‌عنوان مبنایی برای واکنش در قبال رفتار مجرمانه این اجازه را به جامعه می‌دهد تا در دفاع از خود و به‌عنوان واکنشی پیشگیرانه، صاحبان حالت خطرناک را طرد و با اعمال مجازات شدیدتر آن‌ها را سرکوب کند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که حالت خطرناک دایر مدار تهدیدی است که بزهکار برای جامعه دارد که جامعه را واردار به اعمال واکنشی شدیدتر نسبت به این افراد در مقایسه با بزهکارانی که از این حالت برخوردار نیستند می‌کند؛ نشانه‌های توجه مقنن به این مفهوم (حالت خطرناک) در جا به جای قانون مجازات اسلامی از جمله تعدد جرم دیده می‌شود (توجهی، ۱۳۹۸، ۳). تعدد جرم حاکی از حالت خطرناک در مجرم است، از این رو عدالت و انصاف اقتضاء می‌کند که مجازات کسی که یکبار مرتکب جرم شده و آن کسی که چندین بار نظم اجتماعی را برهم می‌زند یکسان نباشد (اردبیلی، ۱۳۹۵، ۱۷۸). پس با این استدلال می‌توان گفت که افزایش مجازات مرتکب در صورت تعدد جرم توجیه پذیر است.

۲-۲-۳- نظریه اصل فردی کردن مجازات

جرم و پدیده مجرمانه به‌عنوان رفتاری ضداجتماعی همواره خطرات زیادی برای جامعه و بشر در پی داشته است؛ اما گاهی این جرایم به واسطه حالت خاصی که در مجرم وجود دارد بیش از پیش خطرات و خسارت جبران‌ناپذیری را برای جامعه ایجاد می‌کند که این امر باعث شده تا مقنن تحت تأثیر نظریه پردازان مکتب تحقیقی با توجه به اصل فردی کردن مجازات‌ها ضمن اصلاح و بازاجتماعی کردن مجرم از خطرات ناشی از ارتکاب جرم بکاهد. اصل فردی کردن مجازات‌ها به معنای متناسب کردن مجازات با ویژگی‌های جسمی، روحی، روانی و شخصیتی بزهکار است. این اصل به دادرسان اجازه می‌دهد که بتوانند به جای مجازات معمولی به مجازات متناسب رای دهند (الهام و برهانی، ۱۳۹۶، ۲۲۳). تعدد جرم

یکی از نهادهای حقوقی برخاسته از اصل فردی کردن مجازات‌ها است، ارتکاب جرایم متعدد از سوی مجرم بیانگر آن است که ارتکاب عمل مجرمانه از سوی او نمی‌تواند یک اشتباه و شاید اتفاقی باشد بلکه مجرم در ارتکاب جرایم متعدد مختار بوده و ارتکاب این اعمال اثبات‌کننده حالت خطرناک و روحیه ضداجتماعی مرتکب جرایم متعدد است. بنابراین می‌توان گفت که افزایش مجازات در صورت تعدد جرم بر مبنای نظریه اصل فردی کردن مجازات‌ها توجیه پذیر است (محسنی، ۱۳۷۵، ۳۶۸).

۳- مبانی نظری جرم‌شناختی تکرار جرم

بررسی مبانی نظری هر نهاد کیفری ما را با فلسفه، نگرش و اصل وجودی آن نهاد آشنا می‌کند. از این رو ضرورت دارد جهت فهم بهتر موضوع، مبانی نظری تکرار جرم را ابتدا از حیث نظریه‌های جرم‌شناسی که در این زمینه مطرح شده است را مورد بررسی قرار دهیم و سپس به اختلاف عقیده‌ای که میان حقوقدانان مبنی بر ضرورت یا عدم ضرورت تشدید مجازات در تکرار جرم وجود دارد، بپردازیم.

۳-۱- نظریه‌های مطروحه در جرم‌شناسی در خصوص تکرار جرم

بر اساس طبقه بندی‌های گان، نظریات جامعه‌شناسی انحراف، به سه رویکرد تقسیم شده است که عبارتند از: رویکرد ساختاری-کارکردی؛ رویکرد کنش متقابل نمادین؛ رویکرد تضاد.

تئوری‌های کارکردگرایی ساختاری بر روی نهادهایی مانند خانواده و مدرسه که به اجتماعی کردن افراد به منظور هم‌نوا کردن رفتار آن‌ها با ارزش‌های اصلی جامعه می‌پردازد تمرکز می‌کند. این نظریه‌ها به این مسئله می‌پردازند که چرا برخی از افراد از طریق انجام رفتارهای انحرافی به مقابله با توافقات جمعی می‌پردازند؟ چرا برخی از افراد از ارزش‌هایی که برای اکثریت جامعه مهم است سرپیچی می‌کنند؟ نظریه‌های یادگیری اجتماعی، کنترل، بی‌سازمانی اجتماعی، فرصت‌های متناوب، خرده فرهنگی و آنومی که زیرمجموعه این رویکرد می‌باشند به این سوالات به شیوه‌های متناوب پاسخ می‌دهند. از نظر تعامل‌گرایان، کجرو یا منحرف به کسی گفته می‌شود که از جانب سایر افراد جامعه مورد مواخذه قرار گرفته باشند این دیدگاه به فرد منحرف انگیزه‌ها فشارها و تعامل بین او و کسانی که وی را منحرف قلمداد می‌کنند توجه دارد. تعامل‌گرایان، چگونگی و عللی که اشخاص و گروه‌های منحرف دانسته می‌شوند را مورد بررسی قرار می‌دهند.

تئوری‌های کنش متقابل نمادین انحرافی، از تأکید بر ارزش‌ها به تأکید بر معناها و تعاریف برابر تبیین رفتار انحرافی تغییر جهت داده‌اند و در مواردی برخی از آن‌ها از این امر پا فراتر گذاشته و توجه اصلی خود از تأکید بر معناها و تعاریف کسب شده جهت انجام رفتارهای انحرافی توسط منحرفان به طرف تمرکز بر نقش‌هایی که عاملان رسمی کنترل اجتماعی در تحمیل معانی و تعاریف نمادین رفتار انحرافی بر افراد باز می‌کنند تغییر داده‌اند. سرانجام رویکرد تضادگرا به نوعی به نظریه‌های برچسب زنی ارتباط دارند اغلب روی نقش گروه‌های اجتماعی مسلط در تحمیل برچسب‌هایی قانونی بر اعضای گروه‌های اجتماعی حاشیه‌ای تمرکز می‌کنند و سعی دارند به این سوال جواب بدهند که چرا و چگونه این اتفاق می‌افتد. در این تئوری‌ها، نابرابری و ظلم به‌عنوان علل بزهکاری دانسته شده است.

حال با توجه به طبقه‌بندی فوق مهم‌ترین نظریه‌های که از منظر جامعه‌شناسی در تکرار جرم مؤثر است به شرح ذیل می‌باشند.

۱-۳-۱- نظریه اشتغال زندانی یعنی کاهش تکرار جرم

انسان بیکار افکار ناجور به ذهنش خطور می‌کند و چه بسا این افکار در تار و پود ذهنش ریشه دوانده باشد. شاید این که می‌گویند در محیط زندان هر جور خلافی را می‌توان یاد گرفت به همین دلیل است چرا که وقت‌های تلف شده آفت زندان است. زندانیان پس از پایان دوره محکومیت و رهایی از حبس با مشکلات زیادی روبرو می‌شوند. عدم توجه خانواده در حمایت از زندانیان آزاد شده و یا ناتوانی در حمایت از آنان، طرد و اخراج از محل کار، عدم کامیابی در یافتن شغل مناسب و بسیاری از مشکلات دیگر سبب می‌شود که زندانیان موقعیت شغلی، اقتصادی و اجتماعی سابق خود را از دست بدهند. از این رو ممکن است اغلب آنان به ارتکاب مجدد جرم و پناه بردن به محیط‌های نامناسب و دوستان ناهل روی آورند. یقیناً وجود مؤسسه‌ای پس از آزادی زندانیان در راستای حمایت و مراقبت از آنان و ایجاد اشتغال برای این افراد که صاحبان مشاغل از دادن کار به این افراد به سبب پیشینه‌ای که دارند اجتناب می‌کنند بسیاری از مشکلات و معضلات ذکر شده آنان را حل خواهد کرد. چرا که در صورت اشتغال و ایجاد دغدغه ذهنی ناشی از کار، دیگر مجاللی برای اندیشه مجرمانه و به تبع آن ارتکاب جرم باقی نمی‌ماند. از این رو در نظام زندانبانی برای اثر بخشی بهتر، اصل مداخله تعقیبی پس از آزادی از زندان پذیرفته شده است. به این صورت که سازمان زندان‌ها اقدام به راه‌اندازی نهادهای مراقبتی در جهت ارائه خدمات و

حمایت از این مددجویان، بعد از خروج آن‌ها از زندان کرده تا بتواند با بزرگ‌ترین معضل این افراد یعنی بیکاری بعد از آزادی مقابله کند (محمدی مهبوزانی، ۱۳۹۵، ۱۲۰).

۲-۳-۱- نظریه واکنش اجتماعی

در تمامی نظام‌های حقوقی دنیا، زمانی که یک شخص حقیقی یا حقوقی مرتکب بزه‌ای از هر نوع گردد با عنایت به شدت و ضعف آثار مخرب آن جرم، به جهت برهم زدن نظم عمومی و اخلاق حسنه در آن جامعه، این نظام در پی اعاده آسیب‌های وارده، مجازاتی را برای خاطیان در نظر می‌گیرد تا ضمن بازگرداندن نظم لطمه دیده از ارتکاب جرم به جامعه مرتکب نیز اصلاح و متنبه شد و از تکرار عمل خود خوددای ورزد. از این رو، توقع می‌رود زمانی که شخصی پس از ارتکاب جرم و محکومیت قطعی و اجرای آن مجازات یا مجازات‌ها جهت بازگرداندن آن آسیب‌ها و رسیدن به اصلاح، مجدداً مرتکب بزه‌ای دیگر گردد، بایستی این مجازات اثر مضاعفی نسبت به کیفر پیشین داشته باشد. به عبارت دیگر طبق نظریه واکنش اجتماعی ایجاب می‌نماید که میان فردی که پس از محکومیت پیشین و اجرای مجازات ناشی از آن متنبه نشده است و مجدداً دست به ارتکاب جرم می‌زند با فردی که پس از محکومیت سابق و اجرای مجازات ناشی از آن، متنبه و اصلاح شده قائل به تفکیک شد. زیرا کسی که به ارتکاب بزه خو کرده و پس از محکومیت سابق دوباره مرتکب جرم شده است خطرناک‌تر و جامعه ستیزتر از فردی است که پس از محکومیت پیشین خود اصلاح شده و به آغوش اجتماع باز می‌گردد بنابراین ایجاب می‌کند که واکنش جامعه نسبت به این مرتکب شدید از مرتکبی باشد که پس از اعمال مجازات عبرت گرفته و از ارتکاب مجدد جرم خودداری کرده است. پس با این توضیح می‌توان تشدید مجازات در حالت تکرار جرم را توجیه نمود.

۳-۳-۱- نظریه حالت خطرناک

در توضیح این نظریه همان‌طور که پیش‌تر به آن پرداخته شد باید گفت؛ مفهوم حالت خطرناک در قرن نوزدهم و بر مبنای ضرورت تأمین دفاع اجتماعی توسط نظریه پردازان مکتب تحقیقی مطرح شد است؛ پذیرش نظریه حالت خطرناک به‌عنوان مبنایی برای واکنش در قبال رفتار مجرمانه این اجازه را به جامعه می‌دهد تا در دفاع از خود و به‌عنوان واکنشی پیشگیرانه، صاحبان حالت خطرناک را طرد و با اعمال

مجازات شدیدتر آن‌ها را سرکوب کند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که حالت خطرناک دائرمدار تهدیدی است که بزهدکار برای جامعه دارد که جامعه را واردار به اعمال واکنشی شدیدتر نسبت به این افراد در مقایسه با بزهدکارانی که از این حالت برخوردار نیستند می‌کند؛ نشانه‌های توجه مقنن به این مفهوم (حالت خطرناک) در جای جای قانون مجازات اسلامی از جمله تکرار جرم دیده می‌شود (توجهی، ۱۳۹۸، ۳). تکرار جرم حاکی از حالت خطرناک در مجرم است، از این رو عدالت و انصاف اقتضاء می‌کند که مجازات کسی که یک بار مرتکب جرم شده و آن کسی که چندین بار نظم اجتماعی را برهم می‌زند یکسان نباشد (اردبیلی، ۱۳۹۵، ۱۷۸). پس با این استدلال می‌توان گفت که افزایش مجازات مرتکب در صورت تکرار جرم توجیه پذیر است.

۴-۳-۱- نظریه آنومی

یکی از نظریات مطرح در بررسی مسائل جامعه زندان نظریه آنومی هست. منظور از آنومی یا آشفتگی اجتماعی یک وضعیت بی‌قاعدگی یا بی‌هنجاری است که در آن افراد قادر نیستند بر اساس یک نظام از قواعد مشترک ارتباط متقابل برقرار کنند و نیازهای خود را ارضاء کنند در نتیجه نظم فرهنگی و اجتماعی از هم پاشیده می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۷۸، ۱۳). از دیدگاه مرتون آنومی یک درهم شکستگی ساختار فرهنگی این وضعیت وقتی پیش می‌آید که بین اهداف و هنجارهای فرهنگی و امکانات موجود در جامعه تفاوت فاحش وجود داشته باشد. در یک جامعه پایدار یک تعادل بین اهداف اجتماعی فرهنگی و راه‌های پذیرفته شده از سوی عامه مردم برای دستیابی به آن‌ها وجود دارد آنومی وقتی شروع می‌شود که این رابطه متعادل به هم بخورد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸، ۱۸).

هنگامی که فرد دچار حالت آنومی می‌شود وابستگی و احساس تعلق خود را با گروهی از دست می‌دهد هنجارهای گروهی را به عنوان سرمشق نمی‌پذیرد از آن‌ها می‌گریزد و برای مدتی در بی‌هنجاری یا به تعبیر دورکیم چشمان جاری به سر می‌برد زیرا هنجار مطلوبی نمی‌یابد تا جایگزین هنجارهای پیشین سازد کشش به سوی آنومی به صورت‌های مختلف در جامعه گسترش می‌یابد و در سطوح مشخص از طبقات اجتماعی متمرکز خواهد شد. دقیقاً چگونگی نرخ جرم و سایر اشکال رفتارهای انحرافی منتشره در اجتماع به درجه جذب و هضم اهداف فرهنگی به وسیله طبقات مختلف و امکان دسترسی به وسایل تأیید شده اجتماعی جهت دستیابی به آن اهداف بستگی دارد.

۲-۳-۲- ضرورت یا عدم ضرورت تشدید مجازات در تکرار جرم

اگر شخصی با توجه به شرایط مقرر در قانون، مجدداً مرتکب جرم شود این سوال مطرح می‌شود که آیا نسبت به مرتکبین تکرار جرم باید مجازات تشدید شود یا خیر؟ در رابطه با تعدد جرم اکثر حقوقدانان بر رعایت قاعده تعدد و تشدید مجازات اتفاق نظر دارند. اما در تکرار جرم بین حقوقدانان اختلاف عقیده خاصی مبنی بر تشدید یا عدم تشدید مجازات وجود دارد که به ترتیب به بیان نظریات موافقان و مخالفان اجرای تشدید مجازات می‌پردازیم.

۲-۳-۱- دیدگاه موافقان اجرای تشدید مجازات

طرفداران و موافقان نظریه اجرای تشدید مجازات که همان پیروان مکتب کلاسیک هستند با تکیه بر جنبه «سزادهی و بازدارندگی مجازات و وجود حالت خطرناک» در مورد مرتکبین تکرار جرم چنین استدلال می‌کنند (شامیاتی، ۱۳۹۳، ۲۲۲): اولاً مجرم از اجرای مجازات قبلی متنبه نشده و در واقع یکی از اهداف مهم اجرای مجازات که اصلاح مجرم است تأمین نگردیده است، بنابراین می‌بایست با چنین فردی برخورد شدیدتری صورت گیرد؛ ثانیاً کسی که برای اولین بار دست به ارتکاب جرم زده و مورد محاکمه و مجازات قرار گرفته و پس از آن دوباره مرتکب جرم می‌شود حکایت از حالت خطرناک وی دارد. چرا که با وسایل و فنون ارتکاب جرم آشنایی پیدا کرده و باید جامعه را از گزند چنین فردی در امان نگهداشت؛ ثالثاً تشدید مجازات تکرارکننده جرم سبب پیشگیری عمومی و اختصاصی از ارتکاب جرم می‌شود. چرا که از یک سو مجرم همچون حسابگری مجرب به سنجش سود و زیان خود در نتیجه ارتکاب مجدد جرم می‌پردازد و با خود می‌سنجد که اگر دوباره مرتکب جرم شود مجازات سنگین‌تری در انتظار اوست. از این رو سعی بر آن دارد که مرتکب جرم نشود (پیشگیری اختصاصی) از سوی دیگر، با تشدید مجازات تکرارکننده جرم انتظار می‌رود که آثار عبرت‌انگیز آن در تعدیل تمایلات بزهکارانه افراد مؤثر افتد و کسانی که می‌کوشند راه بزهکاری را انتخاب کنند از حرکت در این مسیر باز ایستند (پیشگیری عمومی).

۲-۳-۲- دیدگاه مخالفان اجرای تشدید مجازات

در مقابل جرم‌شناسان مکتب نوکلاسیک، تشدید مجازات در مورد تکرارکنندگان جرم را جایز ندانسته و

این قبیل مجرمین را بیمار یا عاملی از علت‌های اجتماعی دانسته و به هیچ وجه شدت برخورد با آنان را سازگار با عدالت نمی‌دانند. این عده معتقدند که (شامبیاتی، ۱۳۹۳، ۲۲۳) اولاً مراقبت‌های پس از اجرای مجازات یا به نحو مطلوب صورت نگرفته و یا اگر صورت گرفته، کافی نبوده است و یا یکی از اهداف اجرای مجازات که همان اصلاح و بازپروری بزه‌کار است به خوبی تأمین نشده است. چرا که از یک سو، جامعه عامل اصلی وقوع جرم اول بوده و با برخورد شدید و نامناسبی که با مجرم داشته، مقصر اصلی برای ارتکاب جرم بعدی او می‌باشد. از سوی دیگر، جامعه با ایجاد رسوایی و فضاحتی که از اجرای مجازات جرم اول به بار آورده باعث شده تا شخص خود را در جامعه رسوا و بی‌آبرو شناخته و قبح مجازات برای او به عمل عادی مبدل شود و اگر چنین مجرمی مجدداً دست به ارتکاب جرم بزند ناشی از همان پیشینه و برجستگی است که جامعه به او زده و با معرفی او به‌عنوان فردی ناصالح، او را از به دست آوردن شغل و حرفه‌ای خاص باز داشته تا لاجرم مجرم تنها راه پیش روی خود را ارتکاب جرم بداند. ثانیاً در خصوص مجازات زندان، عدم تجهیز وضعیت زندان موجب شده فردی که برای اولین بار به علت ارتکاب جرمی کم‌اهمیت وارد زندان می‌شود با مجرمین حرفه‌ای و سابقه‌دار همنشین شود و در دوران محکومیت خود همچون کلاس درس، به کسب مهارت‌های لازم جهت ارتکاب جرم بپردازد که این عوامل خود می‌تواند در ارتکاب جرم مؤثر باشد.

اما صرف نظر از این اختلاف عقیده‌ها باید اظهار داشت که در اکثر قوانین جزایی کشورهای مختلف این گونه مجرمین را مستحق تشدید مجازات ناشی از تکرار عمل مجرمین می‌دانند. به نظر نگارندگان نیز اصل تناسب میان جرم و مجازات ایجاب می‌نماید که میان فردی که پس از محکومیت پیشین و اجرای مجازات ناشی از آن متنبه نشده و مجدداً دست به ارتکاب جرم می‌زند با فردی که پس از محکومیت سابق و اجرای مجازات ناشی از آن، متنبه و اصلاح شده قائل به تفکیک شد. زیرا کسی که به ارتکاب بزه خو کرده و پس از محکومیت سابق دوباره مرتکب جرم شده است خطرناک‌تر و جامعه‌سست‌تر از فردی است که پس از محکومیت پیشین خود اصلاح شده و به آغوش اجتماع باز می‌گردد، بنابراین باید نسبت به مرتکبی که هر بار مجازات شده و همچنان بر خوی مجرمانه خو باقی است در مقایسه با محکومی که با عدم ارتکاب مجدد جرم اصلاح‌پذیری خود را نشان داده است، سیاست جنایی دیگری اتخاذ نمود. با این توضیح می‌توان تشدید مجازات در تکرار جرم را منطبق با عدالت و منطق حقوقی دانست.

نتیجه

در این پژوهش، نتایج ذیل، به دست می‌آید:

اول- تعدد و تکرار جرم دو نهاد کیفری هستند که دارای مبانی مشخصی بوده که از حیث غیر کیفری (جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی) قابل بررسی هستند. دوم- جهت پیشگیری از بزهکاری، تعدد و تکرار جرم بایستی تمامی گروه‌ها و اقشار جامعه همکاری کنند. مدرسه، نهادهای مذهبی، نیروهای انتظامی و انجمن‌ها حتی کسانی که فرزند بزهکار ندارند باید در این امر مشارکت نمایند. سوم- برای پیشگیری باید به کل بافت جامعه از نظر فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی توجه نمود و نظریاتی را در همان اجتماع تدوین کرد، نه این که از طرح‌های از پیش ساخته شده سایر جوامع برای حل معضل اجتماع استفاده کنیم. خدمات پیشگیری شامل روان درمانی، آموزش‌های انفرادی و گروهی می‌گردد که بایستی توسط متخصصین و افراد دلسوز اعمال گردد. چهارم- در مورد نظریات جرم‌شناسی مطروحه پیرامون تعدد جرم، می‌توان به شکل خلاصه این چنین، بیان کرد؛ طبق نظریه جمع مجازات‌ها که متاثر از مکتب کلاسیک است، هر شخصی که با آگاهی و اراده مرتکب بزه‌ای شود باید به مجازات آن جرم محکوم شود. به بیان دیگر منظور از این نظریه آن است که اگر شخصی مرتکب جرایم متعددی شود مجموع مجازات جرایم ارتكابی در خصوص وی اجرا می‌گردد.

پنجم- در خصوص نظریات جرم‌شناسی مطروحه پیرامون تکرار جرم، می‌توان به نحو خلاصه این چنین، اشاره کرد؛ تعامل گرایان، کجرو یا منحرف را کسانی می‌دانند که از جانب دیگران مورد مواخذه قرار گرفته باشند این دیدگاه به فرد منحرف انگیزه‌ها فشارها و تعامل بین او و کسانی که وی را منحرف قلمداد می‌کنند توجه دارد. تعامل گرایان، دلایلی که اشخاص و گروه‌های منحرف دانسته می‌شوند را مورد بررسی قرار می‌دهند. تئوری‌های کنش متقابل نمادین انحرافی، از تأکید بر ارزش‌ها به تأکید بر معناها و تعاریف برابر تبیین رفتار انحرافی تغییر جهت داده‌اند و در مواردی برخی از آن‌ها از این امر پا فراتر گذاشته و توجه اصلی خود از تأکید بر معناها و تعاریف کسب شده جهت انجام رفتارهای انحرافی توسط منحرفان به طرف تمرکز بر نقش‌هایی که عاملان رسمی کنترل اجتماعی در تحمیل معانی و تعاریف نمادین رفتار انحرافی بر افراد باز می‌کنند تغییر داده‌اند. سرانجام رویکرد تضادگرا به نوعی به نظریه‌های برجسب زنی ارتباط دارند اغلب روی نقش گروه‌های اجتماعی مسلط

در تحمیل برجسب‌هایی قانونی بر اعضای گروه‌های اجتماعی حاشیه‌ای تمرکز می‌کنند و سعی دارند به این سوال جواب بدهند که چرا و چگونه این اتفاق می‌افتد. در این تئوری‌ها، نابرابری و ظلم به‌عنوان علل بزهکاری دانسته شده است.

پیشنهادها

علل و عواملی که به زعم نگارندگان نه تنها می‌تواند در پیشگیری از بزهکاری مؤثر باشد بلکه می‌توان آن‌ها را فاکتورهای دانست که از منظر جرم‌شناختی در کاهش بروز تعدد و تکرار جرم متمرثر است که در تشریح این عوامل ذیل می‌پردازیم؛

خانواده: ارائه الگوها و تعریف شفاف از خانواده سالم و مورد قبول، ایجاد روابط صمیمانه در خانواده، کمکی است به نوجوانان و جوانان تا بتوانند مشکلات خود را صادقانه با والدین در میان بگذارند و مجبور نباشند به محیط خارج از خانه پناه ببرند. مشاهدات روزمره نشان داده است، کودکان و نوجوانان بزهکار عادات ناپسند خود را از پدر و مادر و یا دوستان و افراد منحرفی که با آنان در ارتباط بوده‌اند، فرا می‌گیرند و از باب عنوان تقلید دست به کارهای خلاف می‌زنند. تأمین نیازهای مادی و معنوی: اگر نوجوان در این مورد دچار کمبود باشند، به سرکشی و ستیزه جویی پناه می‌برند. حق هر فرزندان این است که از تغذیه، پوشاک، مسکن و تفریحات مناسب برخوردار باشد. در این رابطه دولت و مسئولان جامعه موظفند در مواقع وقوع طلاق هم، حداقل امکانات (یک زندگی معقول) را برای نوجوانان به خصوص افراد کم بضاعت فراهم آورند. بی‌کاری، تنهایی، فقر فرهنگی، نداشتن تحرک و فعالیت و نداشتن سرگرمی از علل‌های جرم به شمار آمده‌اند. تأمین محل اسکان و یا مسکن مناسب: شهرهای بزرگ که دارای تحرک جمعیت زیادی می‌باشند و از اطراف و اکناف آن‌ها مهاجرانی با آداب و رسوم و فرهنگ‌های گوناگون به این شهرها مهاجرت می‌کنند؛ همین امر باعث عدم یکپارچگی در میان مردم این گونه شهرها شده و بر همین اساس، به همان اندازه که خاصیت یکپارچه کردن جمعیت دشوار باشد میزان جرم نیز در آن‌ها از آمار بالایی برخوردار است.

آموزش و پرورش مناسب: با توجه به تعداد زیاد شاگردان یک کشور، استفاده از افراد متخصص و باتجربه به‌عنوان معلم؛ معین بودن اهداف تربیتی و تبیین آن‌ها در جهت معرفی انسان کامل و مورد قبول عقل و وجدان انسان‌ها، همچنین ایجاد وسایل تفریحی مناسب برای دانش‌آموزان می‌تواند در کاهش جرم

بسیار مؤثر گردد. تربیت مذهبی: اعتقاد به این که خدا ناظر بر اعمال انسان‌ها است و انسان نتیجه اعمال خود را در دنیا و آخرت خواهد دید، همچنین معرفی پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) به‌عنوان انسان‌های کامل و سعادتمند به همراه نشر سخنان گوه‌ربار آنان، عامل بسیار مؤثری در کاهش جرم و جنایت خواهد بود. فراهم نمودن شغل مناسب برای کسب درآمد کافی و حلال همچنین ایجاد سرگرمی‌های سالم برای افراد جامعه یکی از عوامل مؤثر در کاهش جرم و جنایت می‌باشد. دستگاه‌های تبلیغاتی با انتشار مطالب سودمند، انتشار عکس از عاقبت افراد مجرم، خلاف عقل و وجدان معرفی کردن بزهکاری و جرم توسط آن‌ها، می‌توانند از عوامل مهم در کاهش جرم به حساب می‌آیند.

مقررات تأمینی: بالا بردن سطح آگاهی مردم، گسترش خدمات بهداشتی، منع رفت و آمد به مراکز فساد، کنترل برنامه‌ها از سوی مراکز مختلف فرهنگی و تربیتی به همراه افزایش وسایل تفریحی، وضع مقررات به منظور جلوگیری از ولگردی، تعیین ضوابطی برای جلوگیری از انحراف، سلب ولایت قه‌ری از والدین غیرصالح، تحصیل علوم مختلف برای رشد ذهنی کودکان و نوجوانان همگی از عوامل مهم در جلوگیری جرم تعدد و تکرار آن به شمار می‌روند. تهدید به مجازات که به طور بالقوه شامل همه بزهکاران می‌شود از دیگر علل کاهش جرم محسوب می‌گردد. ایجاد مؤسسات راهنمایی و تربیتی: استفاده از روانپزشک، روانشناس، مشاور و مددکار اجتماعی برای مشاوره والدین و نوجوان به جهت تبیین زندگی سالم، خانواده سالم، و همچنین ارائه الگوی انسان کامل و انتظاراتی که از انسان با توجه به شخصیت و سن او می‌توان از وی انتظار داشت. پلیس و دادگاه‌های نوجوانان: پلیس در این مورد بایستی علاوه بر ضابط قضایی بودن، نقش مربی و راهنما را داشته باشد، نه نقش کیفردهنده. پلیس باید فردی تعلیم دیده و آشنا به روانشناسی و جرم‌شناسی باشد تا بتواند به‌عنوان مربی، راهنما و کنترل‌کننده انجام وظیفه نمایند. برای کودکان بهتر است از پلیس زن استفاده گردد. رفتار پلیس باید بر اساس تجربه و تخصص باشد و همچنین او قادر باشد تفاوت‌های بین بزرگسالان مجرم و نوجوان را شناخته و برحسب شرایط و در نظر گرفتن تفاوت‌های آنان عمل نماید. در این خصوص آنچه لازم به ذکر است این که در برخورد با جوانان و نوجوانان بزهکار نباید به زور و شکنجه متوسل گردید، باید اعتماد نوجوان را جلب کرد و عمل معالجه نیز باید به صورت انفرادی و با توجه به تفاوت‌های فردی آنان صورت پذیرد. به طور کلی، برای پیشگیری از بزهکاری، تعدد و تکرار جرم بایستی تمامی گروه‌ها و اقشار جامعه

همکاری کنند. مدرسه، نهادهای مذهبی، نیروهای انتظامی و انجمن‌ها حتی کسانی که فرزند بزهکار ندارند باید در این امر مشارکت نمایند. همچنین برای پیشگیری باید به کل بافت جامعه از نظر فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی توجه نمود و نظریاتی را در همان اجتماع تدوین کرد، نه این که از طرح‌های از پیش ساخته شده سایر جوامع برای حل معضل اجتماع استفاده کنیم. خدمات پیشگیری شامل روان‌درمانی، آموزش‌های انفرادی و گروهی می‌گردد که بایستی توسط متخصصین و افراد دلسوز اعمال گردد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- اخوت، محمدعلی، ۱۳۸۰، شرح و تفسیر موادی از قانون مجازات اسلامی، **مجله دادرسی**، شماره ۱ (۲۹).
- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۲، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، انتشارات میزان.
- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۵، **حقوق جزای عمومی**، جلد سوم، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات میزان.
- الهام، غلامحسین و برهانی، محسن، ۱۳۹۶، **درآمدی بر حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.
- پیمانی، ضیاءالدین، ۱۳۷۶، **بررسی تاریخی تطبیقی قاعده تعدد جرم**، چاپ سوم، تهران، انتشارات مجتمع آموزش عالی.
- توجهی، عبدالعلی و زارع، ابراهیم، ۱۳۹۸، سابقه محکومیت کیفری به‌عنوان جلوه‌ای از حالت خطرناک و کابست آن در مجازات‌های جایگزین حبس، **فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری**، شماره ۱ (۱۷).
- جعفری، مجتبی، ۱۳۹۲، تعدد جرم و آثار آن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، **پژوهشنامه حقوق کیفری**، شماره ۱ (۵۰).
- حائری شاه‌باغ، علی، ۱۳۷۲، **شرح قانون مجازات عمومی**، چاپ سوم، تهران، انتشارات کانون معرفت.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، **لغت‌نامه**، جلد ششم، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۷۸، **آنومی یا آشفتگی اجتماعی**، چاپ اول، تهران، انتشارات سروش.

- شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۹۳، **حقوق جزای عمومی**، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مجد.
- صاعی، پرویز، ۱۳۸۲، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات طرح نو.
- صیقل، یزدان؛ ایرانی، امیر؛ حجاریان، ناصر، ۱۳۹۹، ریسک تکرار جرم و تعیین پاسخ‌های اصلاح‌مدار در نظام‌های عدالت کیفری ایران و آمریکا، **دیدگاه‌های حقوق قضایی**، شماره ۲۵ (۹۲).
- گارو، رنه، ۱۳۷۴، **مطالعات علمی و نظری در حقوق جزا**، ترجمه و تطبیق ضیاء‌الدین نقابت، چاپ اول، تهران، انتشارات ابن سینا.
- محسنی، مرتضی، ۱۳۷۵، **دوره حقوق جزای عمومی**، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- محمدی مهویزانی، سجاد، ۱۳۹۵، عوامل مؤثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد به زندان، **فصلنامه دانش انتظامی گیلان**، شماره ۱ (۱۷).
- معین، محمد، ۱۳۷۵، **فرهنگ فارسی معین**، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ولیدی، محمدصالح، ۱۳۸۸، **بایسته‌های حقوق جزای عمومی**، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.